یادداشت

هیچ غرامتی پرداخت نخواهد شد

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر امور بین‌الملل

سفر آقای «فرانک والتر اشتاین مایر»، رئیس‌جمهوری آلمان که به دعوت خانم «ساکلاروپولو»، رئیس‌جمهوری یونان که به آتن سفر کرده بود، با حاشیه‌هایی همراه بود. طرف آلمانی همراه با همتای یونانی خود از موزه هولوکاست که در شهر تسالونیکی یونان در حال ساخت است، بازدید کرد. رؤسای جمهور دو کشور با رئیس شورای مرکزی یهودیان یونان و رئیس جامعه یهودیان تسالونیکی دیدار و با دو نفر از بازماندگان یونانی هولوکاست (۵۹ و ۸۵ساله) گفت‌وگو کردند. رئیس‌جمهور آلمان کتابی حاوی عکس از یهودیان یونانی که به اردوگاه‌های نازی منتقل شده بودند، به موزه هولوکاست هدیه داد و در سخنانی اظهار کرد «در مکانی هستیم که زمانی ایستگاه قطار بود و از اینجا یهودیان مناطق شمال یونان به اردوگاه‌های کار اجباری اروپای شرقی منتقل می‌شدند. هرکسی به‌عنوان رئیس‌جمهوری آلمان در اینجا باشد، احساس شرمندگی می‌کند».

هدف اصلی دیدار رئیس‌جمهور آلمان از آتن، تأکید بر این مطلب است که روابط دشوار دو کشور در سال‌های بحران مالی یونان پشت سر گذاشته شده و با وجود اختلاف نظر در موضوعات مختلف به‌ویژه در زمینه مهاجرت و غرامت‌های جنگی از زمان جنگ جهانی دوم روابط دوجانبه بهبود یافته است.

روابط یونان با ترکیه و همچنین غرامت‌های جنگی از زمان جنگ جهانی دوم، دو موضوع دیگر مورد اختلاف دو کشور است. یونان بارها مخالفت و ملاحظات جدی خود با فروش تسلیحات آلمانی به ترکیه را ابراز کرده است. درباره غرامت‌های جنگی برلین بارها درخواست طرف یونانی برای مذاکره را رد کرده و موضوع را مختومه می‌داند.

رئیس‌جمهور یونان در این زمینه اظهار کرد «تمایل دارم با اشاره به قطع‌نامه پارلمان یونان در سال ۲۰۱۹، بر اهمیت موضوع غرامت جنگی و وام اجباری که همچنان بلاتکلیف مانده است، تأکید کنم. لازم است درباره زخم‌های باز گذشته صحبت کنیم. ترمیم این زخم‌ها به تقویت روابط بیش‌ازپیش دو کشور در آینده کمک خواهد کرد».

آقای اشتاین مایر در پاسخ به همتای یونانی خود گفت «موضع حقوقی ما درباره موضوع غرامت جنگی با موضع شما متفاوت است. نظر ما این است که از نظر حقوقی مسئله مختومه تلقی می‌شود اما ما همچنان به مسئولیت تاریخی‌ای که داریم، پایبندیم. موضع دولت فدرال آلمان این است که مسئله غرامت‌های جنگی از نظر حقوقی حل‌وفصل شده است».

استدلال طرف آلمانی این است که با امضای پیمان حل‌وفصل نهایی برای آلمان متحد موسوم به «پیمان دو به‌علاوه چهار» در سال ۱۹۹۰، موضوع غرامت‌های جنگی از نظر حقوقی و سیاسی حل‌وفصل شده است. اما آتن مدعی است که یونان طرف امضاکننده پیمان یادشده نبوده است. پارلمان یونان در قطع‌نامه‌ای خواستار دریافت مبلغ ۲۸۹ میلیارد یورو بابت غرامت‌های جنگی از زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم ازجمله وام اجباری دولت وقت یونان به آلمان نازی شده است.

میچوتاکیس، نخست‌وزیر راست‌گرای یونان نیز در دیدارش با رئیس‌جمهوری آلمان مدعی شد از دیدگاه یونان، موضوع غرامت‌های جنگی و به‌ویژه وام اجباری همچنان زنده است و امیدواریم روزی آن را حل‌وفصل کنیم».

یونان در جریان جنگ جهانی دوم و پس از اشغال این کشور از سوی آلمان دچار خسارات گسترده شد و بیش از یک میلیون یونانی در جریان اشغال آلمان جان خود را از دست دادند. گفته می‌شود که بیش از ۴۰۰ هزار خانه در یونان در جریان اشغال از سوی آلمان تخریب شد. جمعیت آن ۱.۱ میلیون یا ۱۳.۵ درصد و بیش از هر جای دیگری در اروپا کاهش یافت. در زمان نخست‌وزیری الکسیس سیپراس از حزب ائتلاف چپ یونان، پارلمان این کشور در آوریل ۲۰۱۹ تصمیم گرفت که موضوع دریافت غرامت جنگ جهانی از آلمان «باز و فعال» باقی بماند. دولت یونان این موضوع را «بدهی پاک‌نشدنی» می‌داند و آتن هرگز و به‌هیچ‌وجه از ادعاهای خود چشم‌پوشی نکرده است. در سال جاری و هم‌زمان با هشتادمین سالگرد کشتار تعدادی از یونانیان به دست قوای نظامی نازی‌ها در یک روستای منطقه «کالاوریتا» که در سال ۱۹۴۳ میلادی به وقوع پیوست، یک بار دیگر موضوع ضرورت پرداخت غرامت مالی از سوی آلمان در پی این خشونت‌ها از سوی مقامات یونان مطرح شد.

کشتار کالاوریتا مربوط به اعدام جمعیت مردان و ویرانی کامل این شهر در یونان به دست کماندوهای آلمانی در طول اشغال این منطقه است. در آن روز ۷۷ سرباز آلمانی در عملیات نظامی، ابتدا با اسیرکردن، پاک‌سازی کامل منطقه کوهستانی از گروه‌های مقاومت را آغاز کردند. سربازان آلمانی ده‌ها روستا را در مسیر خود به آتش کشیدند و غیرنظامیان را به قتل رساندند. آنها ۹ دسامبر وارد این منطقه شدند و طبق گفته مورخان، ۶۷۷ غیرنظامی را اعدام کردند که از این تعداد ۴۹۹ نفر از ساکنان «کالاوریتا» بوده و حدود هزار خانه در ۵۰ روستا را به آتش کشیدند. این قتل‌عام، جنایت جنگی دیگری در یونان در دوره اشغال بود. هیچ‌یک از مسئولان این اقدام به دست عدالت سپرده نشدند و تا به امروز هیچ غرامتی از سوی آلمان به یونان پرداخت نشده است. یکی از بهانه‌های آلمان‌ها برای چنین قتل‌عامی مبارزه با گروه موسوم به «ارتش آزادی‌بخش یونان» (ELAS) بود که در مقابل اقدامات نازی‌ها مقاومت می‌کرد.

یادداشت

توجیه ناروا برای کار ناروا

ادامه از صفحه اول

اگر توجیهات طبقه ممتاز مدیران که به آنها مسئولان هم گفته می‌شود، برای اقناع عمومی حرف مستدلی داشت، همین صداوسیما کفایت می‌کرد.

ششم: اگر فیلترینگ درست و مؤثر بود، دیگر لااقل کسی از ایران نمی‌توانست وارد شبکه‌های اجتماعی بشود و چیزی بگوید یا بنویسد. در چنین حالتی آن میدان جنگ که آقای نماینده در مقام قیاس آورده است، دیگر تقریبا خالی می‌ماند. در چنین میدانی که مسئولان مانند جنگاوران قرار است برای پاسخ به شبهات حاضر شوند، کسی نیست که با او بجنگند. می‌شود یک جنگ با دشمن خیالی.

هفتم: حق آزادی بیان، حق آزادی رسانه و حق آزادی دسترسی به اطلاعات از حقوق اساسی ملت‌اند و دولت موظف به اجرای این حق است. ممانعت از دستیابی ملت به این حقوق اساسی، نقض قانون اساسی است. هرکس، خواه از افراد صاحب‌منصب یا مردم عادی، حق دارد از این حقوق برخوردار باشد. در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی از مظاهر بارز حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات هستند و فیلترینگ ناقض این حقوق است. قائل‌شدن به اینکه مسئولان حق دارند به شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند و ملت فاقد این حق هستند، به این موارد نقض، تبعیض ناروا را هم می‌افزاید.

وقتی یک عمل غیرقانونی رخ می‌دهد، این قبیل توجیهات کار را خراب‌تر می‌کند. اگر به صراحت بگویند قائل به آزادی بیان ملت و حق دسترسی به اطلاعات نیستیم، بهتر و راحت‌تر است.

رأی‌گیری در انتخابات آمریکا به ایستگاه آخر رسید

ثانیه‌شمار سرنوشت

طبق سنتی ۶۵ساله، اولین رأی‌گیری حضوری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در دیکسویل‌ناچ، نیوهمپشایر انجام شد و فقط شش رأی‌دهنده در شهر ثبت‌نام کرده بودند که آرای‌شان شمرده شد و آرا به طور مساوی بین دو نامزد تقسیم شده بود. دونالد ترامپ و کامالا هریس، روز قبل از انتخابات به پنسیلوانیا، کلیدی‌ترین ایالت آمریکا در عرصه رقابت‌های انتخاباتی، رفتند تا در آخرین ساعت پیش از شروع یکی از حساس‌ترین انتخابات‌های آمریکا، رأی‌دهندگان بیشتری را به سوی خود جلب کنند. پنسیلوانیا بیشترین رأی الکترال را در اختیار دارد و پیروزی در این ایالت در انتخابات روز سه‌شنبه راه ورود به کاخ سفید را هموار می‌کند. این در حالی است که آخرین نظرسنجی‌ها رقابت شانه‌به‌شانه و برابر ترامپ و هریس را نشان می‌دهد. هریک از نامزدها که دست‌کم ۲۷۰ رأی الکترال را به دست آورد، رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا خواهد بود. کامالا هریس، نامزد دموکرات‌ها، شب پیش از انتخابات را در فیلادلفیا به پایان رساند؛ جایی که همراه با داوطلبان کارزار انتخاباتی‌اش به در خانه‌ها رفت و ساکنان را دعوت به رأی‌دادن به خود کرد. دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان نیز روز را از کارولینای شمالی آغاز کرد و سپس به میشیگان و پنسیلوانیا رفت. تا شب قبل از انتخابات حدود ۸۰ میلیون آمریکایی در رأی‌گیری زودهنگام شرکت کرده‌اند که حدود نیمی از آرای واجدان شرایط حضور در رأی‌گیری است. نتیجه رقابت در ایالت‌های آریزونا، جورجیا، میشیگان، نوادا، کارولینای شمالی، پنسیلوانیا و ویسکانسین نقش مهمی در پیروزی هریک از نامزدها خواهد داشت. ساعت ۷ بعدازظهر به وقت شرق آمریکا، پایان رأی‌گیری انتخابات پنجم نوامبر ۲۰۲۴ در ایالات متحده اعلام شده است.

زمان اعلام نتیجه نهایی

زمان بسته‌شدن حوزه‌های رأی‌گیری در ایالات متحده از ایالتی به ایالت دیگر و گاهی حتی از شهرستانی به شهرستان دیگر متفاوت است. بیشتر حوزه‌های رأی‌گیری بین ساعت ۷ تا ۱۱ شب به وقت شرق آمریکا بسته می‌شوند. چند ساعت پس از بسته‌شدن نخستین حوزه‌ها در ساعت هفت شب، نتایج اولیه انتخابات منتشر خواهد شد. بااین‌حال، سرعت شمارش آرا در هر ایالت متفاوت است و برخی ایالت‌ها زودتر از دیگران نتایج را اعلام خواهند کرد. درصورتی‌که رقابت نزدیک باشد، شمارش آرا ممکن است تا بعد از شب انتخابات ادامه یابد و احتمال دارد که نتیجه نهایی تا چند روز بعد مشخص نشود. به نوشته ایندیپندنت، نخستین نتایج احتمالا در ایالت جورجیا اعلام خواهد شد؛ جایی که قانون ایالتی ایجاب می‌کند تمامی آرای زودهنگام تا ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا شمارش و گزارش شوند. در کارولینای شمالی نیز انتظار می‌رود که شمارش و اعلام آرا در طول شب ادامه داشته باشد و نتایج کامل تا ابتدای صبح منتشر شود. ساعت پنج صبح به وقت شرق آمریکا، حوزه‌های رأی‌گیری در ایالت ورمونت آغاز به کار کردند. پیش از این، نیمه‌شب دوشنبه به وقت محلی، شهر کوچک دیکسویل‌ناچ در نیوهمپشایر اولین حوزه‌ای بود که رأی‌گیری را آغاز کرد. در ادامه، حوزه‌های رأی‌گیری در ایالت‌های نیویورک و ویرجینیا باز شدند و به‌تدریج با شروع صبح، مراکز رأی‌گیری در شش منطقه زمانی مختلف که ۵۰ ایالت آمریکا را پوشش می‌دهند، فعالیت خود را آغاز کردند. یک روز مانده به انتخابات، دونالد ترامپ و کامالا هریس آخرین سخنرانی‌های انتخاباتی خود را به ترتیب در میشیگان و پنسیلوانیا، ایالت‌های کلیدی در این رقابت، برگزار کردند. ترامپ گردهمایی خود را در شهر گرندرپیدز میشیگان برگزار کرد؛ جایی که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ نیز کمپین‌های خود را به پایان رسانده بود. او پیش‌بینی کرد که پیروزی بزرگی در انتظارش است و ضمن طرح نگرانی‌هایش در مورد تقلب گسترده در انتخابات، گفت یک سوءقصد نافرجام را به خواست خدا برای بازگشت به ریاست‌جمهوری پشت سر گذاشته است. ترامپ همچنین تلاش کرد حمایت رأی‌دهندگان مسلمان و عرب‌تبار ناراضی از حمایت هریس از جنگ اسرائیل در غزه را به دست آورد. در سوی دیگر، هریس در پنسیلوانیا، ایالتی حساس برای دموکرات‌ها، در جمع هوادارانش در موزه هنر فیلادلفیا گفت که قصد دارد «اقتصادی بسازد که هزینه زندگی را کاهش دهد» و وعده داد مسکن و خدمات مراقبت از کودکان را مقرون‌به‌صرفه‌تر کند. او هواداران خود را به حضور گسترده در انتخابات فراخواند و گفت: «این می‌تواند یکی از نزدیک‌ترین رقابت‌های تاریخ باشد. هر رأی اهمیت دارد».

چرا اولین سه‌شنبه نوامبر؟

هر چهار سال یک بار، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در اولین سه‌شنبه پس از اولین دوشنبه ماه نوامبر برگزار می‌شود. یعنی اگر روز سه‌شنبه مصادف با اول ماه نوامبر باشد، چون در آن تاریخ هنوز اولین دوشنبه ماه نوامبر فرانرسیده است، انتخابات در روز هشتم نوامبر برگزار می‌شود. مورخان معتقدند دلیل این انتخاب به سبک زندگی کشاورزان آمریکایی در قرن نوزدهم بازمی‌گردد. در سال ۱۸۴۵، کنگره آمریکا قانونی تصویب کرد تا تاریخ ثابتی برای انتخابات ریاست‌جمهوری و معاون ریاست‌جمهوری در تمامی ایالت‌های آمریکا تعیین شود. در آن زمان، بسیاری از آمریکایی‌ها در کشوری که کمتر از ۱۰۰ سال از عمرش می‌گذشت، به کشاورزی مشغول بودند. ماه نوامبر انتخاب شد؛ چون با فصل شلوغ کاشت در بهار یا برداشت پاییز تداخل نداشت و همچنین پیش از آغاز سرمای زمستان بود. انتخاب روز هفته نیز با روش حذف روزهای دیگر انجام شد. یکشنبه برای مسیحیان روز عبادت در کلیسا بود و چهارشنبه نیز معمولا «روز بازار» به حساب می‌آمد و کشاورزان محصولات خود را به فروش می‌رساندند. به همین دلایل، یکشنبه و چهارشنبه مناسب نبودند و ایده برگزاری انتخابات در دوشنبه یا پنجشنبه نیز کنار گذاشته شد. در نتیجه، سه‌شنبه بهترین گزینه برای برگزاری انتخابات شد.

یادداشت

سالروز فروپاشی دیوار برلین و بازاندیشی دیوارهای ناپیدای عصر ما

در جست‌وجوی آزادی

علیرضا نصیری

۹ نوامبر ۱۹۸۹، روزی که دیوار برلین فرو ریخت، به‌عنوان یکی از لحظات تعیین‌کننده در تاریخ قرن بیستم ثبت شد؛ روزی که با فروریختن این نماد آهنین جدایی، تصوری عمومی از «پایان تاریخ» در فضای بین‌المللی پدید آمد. در آن روز، شکافی که بین جهان دوقطبی شرق و غرب، میان سرمایه‌داری و کمونیسم و میان ایدئولوژی‌های متضاد بنا شده بود، به‌طور نمادین به پایان رسید. اما این واقعه در خود پرسش‌های عمیق‌تری نهفته داشت که همچنان در هزارتوی تفکر فلسفی و سیاسی ما بازتاب دارد؛ آیا واقعا با فروپاشی این دیوار، ما به عصری جدید از آزادی، برابری و هم‌گرایی جهانی قدم گذاشتیم یا اینکه دیوارهای دیگری -هرچند نامرئی‌تر، پیچیده‌تر و درونی‌تر- جایگزین آن شدند؟

دیوارها به‌مثابه نمادهای فلسفی جدایی

برای درک اهمیت فروپاشی دیوار برلین، باید به ریشه‌های فلسفی آنچه این دیوار نماد آن بود، نگریست. دیوار برلین، مانند هر دیوار فیزیکی و سیاسی، یک مفهوم نمادین داشت؛ تجسم جدایی‌ای عمیق‌تر از خطوط جغرافیایی. این دیوار، مرز میان دو دیدگاه متضاد درباره انسان، جامعه و سرنوشت جمعی او را نمایندگی می‌کرد. مارکسیسم، با الهام از نقد رادیکال کارل مارکس بر نظام سرمایه‌داری، مدعی بود جوامع باید بر اساس برابری اجتماعی و حذف طبقات بنا شوند؛ در مقابل، ایدئالیست‌های لیبرال غربی همچون جان لاک و آدام اسمیت، آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی را به‌عنوان مبنای هر جامعه عادلانه می‌دانستند. اما دیوار برلین از دید بسیاری از فیلسوفان، نه‌تنها نمادی از جدایی شرق و غرب، بلکه بیانگر تضاد بزرگ‌تری میان آرمان و واقعیت بود. آلمان شرقی، برخلاف ادعای ایدئولوژیکی‌اش برای دستیابی به جامعه‌ای برابر، به کشوری تبدیل شد که شهروندانش برای فرار از دست سرکوب و کمبود، به هر راهی متوسل می‌شدند. در این تضاد، این پرسش فلسفی پدیدار می‌شود که آیا تحقق برابری اجتماعی بدون ازدست‌دادن آزادی‌های فردی ممکن است؟ آیا خودِ دیوار، در حقیقت نماد ناتوانی ایدئولوژی در تحقق وعده‌های خود بود؟

فروپاشی دیوار؛ پیروزی اراده انسان یا شکست ایدئولوژی؟

لحظه فروپاشی دیوار، به تعبیری، لحظه‌ای از پیروزی اراده انسانی بود؛ اراده‌ای که خواهان آزادی بیشتر از هر نوع آرمان دستوری بود. بااین‌حال، تحلیل‌های فلسفی این رویداد گوناگون‌اند. فرانسیس فوکویاما، فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی، در کتاب خود «پایان تاریخ و آخرین انسان»، این واقعه را نقطه اوج سیر تاریخی بشریت به سوی پیروزی نهایی لیبرال‌دموکراسی دانست. به زعم او، با فروپاشی کمونیسم، دیگر هیچ رقیب جدی‌ای برای لیبرالیسم غربی باقی نمانده و این نظام به‌عنوان آخرین ایستگاه تاریخ انسانی مستقر شده است. اما منتقدانی همچون یورگن هابرماس و ژاک دریدا، این نظریه را ساده‌انگارانه و خوش‌بینانه می‌دانستند. هابرماس معتقد بود فروپاشی دیوار برلین هرچند نشانه‌ای از زوال ایدئولوژی‌های توتالیتر و تمامیت‌خواه بود، اما نمی‌توانست به معنای تحقق نهایی دموکراسی و آزادی باشد. به باور او، دموکراسی و آزادی نه به‌مثابه اهدافی نهایی، بلکه به‌عنوان پروژه‌ای پایان‌ناپذیر باید مورد بازاندیشی قرار گیرند. برای هابرماس جهان پس از دیوار برلین همچنان گرفتار تناقض‌ها و چالش‌هایی بود که دموکراسی‌های لیبرال غربی نیز از حل آنها عاجز بودند. از سوی دیگر، دریدا با تفکر واسازانه خود، بر این نکته تأکید داشت که «دیوارها» تنها به صورت فیزیکی فرو نمی‌ریزند. او به وجود دیوارهای ناپیدایی اشاره کرد که همچنان در ذهن و اجتماع بشری باقی می‌مانند؛ دیوارهایی که میان خودی و دیگری، میان شهروندان و غیرفردان و میان کسانی که به نظم مسلط تعلق دارند و کسانی که از آن حذف شده‌اند، حائل می‌شود.

پس از فروپاشی؛ دیوارهای جدید در جهانی بدون مرز؟

آیا فروپاشی دیوار برلین واقعا به پایان دیوارهای جدایی منجر شد؟ زیدیگمونت باومن، فیلسوف لهستانی-بریتانیایی، در نظریه خود درباره «مدرنیته سیال» نشان می‌دهد هرچند دیوارهای فیزیکی از بین می‌روند، اما مرزهای جدیدتری در دنیای مدرن شکل می‌گیرند. جهان پس از جنگ سرد، به گفته باومن، جهانی است که در آن مرزها به شکلی نامرئی‌تر و پیچیده‌تر بازتولید می‌شوند؛ با مرزهای اقتصادی که دسترسی به فرصت‌ها را محدود می‌کنند، مرزهای دیجیتال که افراد را از دانش و اطلاعات محروم می‌کنند و مرزهای فرهنگی و نژادی که شکاف‌های اجتماعی را تعمیق می‌کنند. این جهان جدید، با وجود وعده‌های اولیه جهانی‌شدن و هم‌گرایی، با دیوارهای جدیدی مواجه است که در مقیاسی دیگر و با ماهیتی متفاوت برپا شده‌اند. فیلسوفانی همچون اسلاوی ژیژک بر این باورند که دیوارهای جدید، به شکل‌های پیچیده‌تری بازگشت کرده‌اند: در قالب نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، در شکاف‌های فرهنگی میان شمال و جنوب و در مرزهایی که میان نخبگان جهانی‌شده و طبقات محروم کشیده شده‌اند.

جهان امروز؛ دیوارهایی که باقی مانده‌اند

امروز ۳۵ سال پس از فروپاشی دیوار برلین، جهان با چالش‌های جدیدی روبه‌رو است که نشان می‌دهند «دیوارها» همچنان در حال ساخته‌شدن هستند هرچند به شکلی دیگر. دیوار مکزیک و آمریکا، سیاست‌های انزواگرایانه، افزایش ملی‌گرایی و برجسته‌شدن شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع مدرن، همه حاکی از آن هستند که مرزها -حتی در عصر دیجیتال- همچنان پابرجا مانده‌اند. شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین چالش امروز، نه صرفا فروپاشی دیوارهای فیزیکی، بلکه فروپاشی دیوارهای ناپیداست؛ دیوارهایی که میان «خود» و «دیگری» و میان افراد و طبقات مختلف کشیده شده‌اند. در این راستا، مفهوم «آزادی» که در ۱۹۸۹ به‌عنوان پیروزی تلقی می‌شد، باید مورد بازبینی قرار گیرد. آیا ما در جهانی آزادتر زندگی می‌کنیم یا آزادی، مفهومی ناپایدار و شکننده است که همچنان زیر سایه دیوارهای جدید تهدید می‌شود؟ فیلسوفان معاصری همچون آگامبن بر این نکته تأکید دارند که مفهوم آزادی، به خودی خود معنایی پویا دارد؛ یعنی ما نمی‌توانیم به آن به‌عنوان یک دستاورد ثابت نگاه کنیم، بلکه باید همواره در حال بازتعریف و گسترش آن باشیم.

چالش‌های دیوارهای نامرئی

فروپاشی دیوار برلین نماد پایان یک دوره بود، اما هم‌زمان آغاز پرسش‌های جدیدی درباره ماهیت آزادی، دموکراسی و عدالت شد. جهانی که پس از این رویداد ظهور کرد، با دیوارهای پیچیده‌تری روبه‌رو است؛ دیوارهایی که شاید فیزیکی نباشند، اما تأثیرات آنها بر زندگی انسان‌ها عمیق‌تر و گسترده‌تر است. به نظر می‌رسد چالش واقعی امروز، نه فروپاشی دیوارهای فیزیکی بلکه بازشناسی و فروپاشی دیوارهای نامرئی است که جامعه بشری را به دو نیم تقسیم می‌کنند. ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که نیازمند نوعی فلسفه عملی‌تر است؛ فلسفه‌ای که توانایی شناسایی و مقابله با این دیوارهای ناپیدا را داشته باشد. مارکس در تز یازدهم خود گفته بود: «فیلسوفان تنها جهان را تفسیر کرده‌اند، اما مسئله بر سر تغییر آن است». امروز، این جمله مشهور مارکس شاید بیش از هر زمان دیگری طنین‌انداز باشد. فروپاشی دیوارهای فیزیکی همچون دیوار برلین، تنها بخشی از مسیر طولانی به سوی آزادی است. بخش مهم‌تر این است که فلسفه و کنش سیاسی بتوانند به شناخت و از میان برداشتن دیوارهای ناپیدا و پیچیده‌تر کمک کنند؛ دیوارهایی که در لایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی درونی هر فرد مستتر شده‌اند. آیا می‌توانیم به سوی جهانی حرکت کنیم که در آن دیگر هیچ دیواری میان انسان‌ها وجود نداشته باشد؟ پاسخ این پرسش، به تلاش‌های پیوسته‌ای بستگی دارد که هم در حوزه فلسفی و هم در عرصه عملی برای تحقق عدالت، برابری و آزادی واقعی صورت می‌گیرد. فروپاشی دیوار برلین نقطه آغازی بود، اما کارزار مبارزه با دیوارهای نامرئی همچنان ادامه دارد و تنها با تداوم این تلاش‌ها می‌توانیم به تحقق آزادی در معنای واقعی آن امیدوار باشیم. در نهایت، شاید بتوان گفت هر دیواری که فرو می‌ریزد، یادآور این حقیقت است که آزادی و عدالت، مفاهیمی پویا و پیوسته در حال تحول‌اند. همان‌طورکه دیوارهای فیزیکی می‌توانند فروپاشند، دیوارهای ناپیدا نیز می‌توانند از میان برداشته شوند؛ البته تنها در صورتی که ما به شناسایی و مقابله با آنها آگاه باشیم. تاریخ فروپاشی دیوار برلین به ما یادآوری می‌کند که آزادی هرگز یک امر بدیهی نیست، بلکه هدفی است که باید همواره برای آن مبارزه کرد و آن را از میان تهدیدهای پنهان و آشکار حفظ کرد.

گزارش

بایدن به دنبال توافق با عربستان

اکسیوس به نقل از سه منبع مطلع گزارش داد آمریکا و عربستان سعودی در حال رایزنی درباره توافق امنیتی هستند که شامل توافق بزرگ با اسرائیل نمی‌شود. براساس این گزارش، بایدن امیدوار است پیش از تحویل دولت در ماه ژانویه، با عربستان به توافق برسد. اکسیوس می‌نویسد کاخ سفید پیش از حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل در حال مذاکره با عربستان و اسرائیل برای یک ابرتوافق بود که شامل توافق صلح بین اسرائیل و عربستان بود، اما پس از حمله حماس، این توافق در کوتاه‌مدت غیرممکن شد. عربستان سعودی بر بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ در مناقشه اسرائیل و فلسطینیان و حرکت در مسیر تشکیل کشور مستقل فلسطین به عنوان پیش‌شرط توافق با اسرائیل تأکید دارد.

به گزارش اکسیوس، توافقی که درحال‌حاضر در حال بررسی است، یک پیمان امنیتی کامل نیست اما روابط دوجانبه به‌ویژه طیفی از موضوعات امنیتی، تکنولوژی و اقتصادی که دو طرف مایل به امضای آن پیش از پایان دولت بایدن هستند را شامل می‌شود. ابرتوافق قبلی که دولت بایدن به دنبال آن بود، عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان سعودی و همکاری هسته‌ای را نیز شامل می‌شد. دولت بایدن پیش‌تر نیز توافق‌هایی با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس امضا کرده است؛ برای مثال توافق مارس ۲۰۲۲ که قطر را به متحد غیرناتوی آمریکا تبدیل کرد یا توافق سپتامبر ۲۰۲۳ که طی آن آمریکا و بحرین توافق امنیتی جامع امضا کردند. یک سال بعد نیز دولت بایدن، امارات متحده عربی را شریک دفاعی بزرگ معرفی کرد. اکسیوس یکی از اهداف این اقدامات را مقابله با نفوذ چین و روسیه در منطقه خلیج فارس عنوان کرده است. در همین حال، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد گروه حماس پیشنهاد آتش‌بس کوتاه‌مدت و توافق‌نامه آزادی گروگان‌های اسرائیلی را رد کرده است؛ اقدامی که نشان می‌دهد این گروه حتی پس از یحیی سنوار نیز بر درخواست اصلی خود مبنی‌بر عقب‌نشینی دائمی نیروهای اسرائیلی از نوار غزه پافشاری می‌کند. رد پیشنهاد قاهره برای آتش‌بس کوتاه‌مدت باعث شد مذاکره‌کنندگان اسرائیلی به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هشدار دهند که اگر در مذاکرات انعطاف‌پذیری نشان ندهد، توافق دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند. براساس پیشنهاد مصر، آتش‌بسی ۴۸ساعته آغاز و طی آن حماس برای آزادی چهار گروگان اسرائیلی ظرف ۱۰ روز آینده آماده می‌شد. این چهار گروگان قرار بود از افرادی باشند که به دلایل «بشردوستانه» آزاد می‌شوند؛ به این معنی که زن، سالخورده یا بیمار باشند. در ازای آزادی این افراد، اسرائیل هم قرار بود حدود ۱۰۰ زندانی امنیتی فلسطینی را آزاد کند و سپس اسرائیل و حماس در طول این ۱۲ روز درباره آتش‌بس طولانی‌تر مذاکره می‌کردند.

کارت خودروهایما S5 رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۴۰-۲۴۹ ل ۷۹ و شماره موتور GN15TF2B006213A و شماره شاسی NAAD6C343PY170682 به نام **محمود جمشاسب** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودروی سواری جک s5 رنگ مشکی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۱۱۹ س ۳۹ ایران ۸۹ و شماره موتور HFC4GC16DM36022287 و شماره شاسی NAKSH7625MB102630 به نام **مجید سازنده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

یک عدد سند مالکیت (برگ سبز) و یک عدد پروانه تردد سالیانه خودروی سواری کیاتیپ اپتیما مدل ۲۰۱۱ به رنگ سفید متالیک به شماره پلاک ۵۳۵۶۳ سری ۳۳ اروند به شماره شاسی KNAGN411bb5046941 به شماره موتور G4KDAH126636 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت آریسان مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۱۶ س ۱۲۶ ایران ۸۸ شماره موتور: ۱۱۸J۵۰۰۴۷۴۸ و شماره شاسی: NAAB۶۶PE۷HC۴۰۰۲۵۰ به نام محمدقلی پورمیرکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت آسمان آبی نوید (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۷۹۴۴

بدین‌وسیله از کلیه سهام‌داران شرکت دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۸ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ در دفتر مرکزی شرکت به نشانی، مشهد، خیابان ناصرخسرو ۹ پلاک ۶۹ طبقه همکف برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره
۲-انتخاب بازرس قانونی
۳-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۴-تصمیم‌گیری در خصوص روند کار شرکت، نگهداری/فروش اموال و سایر امور مرتبط به مجمع عمومی عادی.

هیئت‌مدیره